

از جصاصی و جزئیات حالات رودگی و فردوسی سندی
 مشکلات بسیار رو برو شود .
 قری سهل و سریع الحصول نیست و نویسنده بآسانی در هر قدم با مواضع
 اسلامی بجزئیات احوال و نبودن کتابهای عمومی قابل استفاده
 معمول است برآی دعوت و با نبودن مرجع و ماخذ تاریخی و علمی
 تحقیق و اجتهاد در تاریخ بزرگان این مهم نیست امروزه که در غرب
 اشغال دارند .
 در حقیقت با حاکم شده متخصصین و محققین بسیار به توسعه و تکمیل آن
 در مدت کوتاهی امروز این علم نیز مانند سایر علوم عالم مآثر
 پیشرفته است .
 (علم الرجال) تا او را حفظ علم اسلامی در مدارس شرقی تدقیق
 تمدن یونان و روم مقامی مباح داده و در مدت اسلامی نیز با
 علم باحوال گذشتگان یکی از مهم تاریخ است که در

— مقاله ۹ —

تکمیل حسین سرور



شرح حال کامل ابن ابی شیبہ

روح قدوس بنی (و السلام علیکم اجمعین)
 سلام از ائمه اصحاب الکمال کتب معتبره که هکذا (یعنی)
 کتب غیر راجح بقوله یعنی روحان و لو ان هذا الشعر
 قاذب انصرت انصرت به * فاذ انصرت به انصرت به *
 انا من اهوی و من اهوی انا یعنی روحان حلتا بنی
 (شعر)

اولی کما قال من قال
 یسی بل و فی اللقمة الا لولی بل هی احو بذات و اجری و
 وقد قال صاب حسنی المسلم فی اللقمة ان الله علی
 و السلام علیکم و علی الصالحین و المستقیمین الامم

در دست نیست میتوان حملات مفلو را علت انهدام مدارك و اسناد پنداشت ولی فقدان شرح حال شعرای عصر فتحعلیشاه را نمیتوان تقصیر چنگیز و تیمور دانست .

بهر جهت با وجود موانع و عدم وسایل حتی الامکان به تحقیقات ممکنه حالات کمال الدین اسمعیل اصفهانی شروع کرده شرح زندگانی این شاعر بزرگ را که از شعرای مهم عراق و مبتکر سبکی خاص در مضمون و عبارت است بمعرض توجه و ملاحظه میگذاریم .

شاعر یا نویسنده متکلمی است که در تحت تاثیرات مختلفه عصر خویش تربیت شده ، شعر گفته یا چیز نوشته است پس برای شناختن یکتفر شاعر لازم است نظری بتاریخ عصر او نموده جریانات و آثاری را که شاعر با آنها بزرك شده و در ذیل آنها میزیسته است در نظر گیریم .

اوضاع سیاسی عصر کمال الدین - ظهور کمال الدین اسمعیل در ثلث اخیر قرن ششم و ثلث نخستین قرن هفتم واقع شده است اوضاع سیاسی ایران در این موقع بسیار مغشوش و انقلابات سیصد ساله ترکی از همان ایام شروع میشود - جنگهای پی در پی صلیبی حشمت سلجوقیان را در هم شکست و حکومت آنان بدست ملوک الطوائف تقسیم شده بود .

اتابکان ترك نژاد در آذربایجان - فارس - کردستان - لرستان بنای سلطنت خویش را استوار کرده با یکدیگر زدو خورد میکردند . سلجوقیان و غوریان - اتابکان و خوارزمشاهیان سرگرم جنگ و آسایش چند صد ساله عصر عباسیان در زبردست و پای مهاجمین و مدافعین نیست و نابود میگردد .

خلفای عباسی با کمال ضعف در بغداد میزیستند و احکام آنها از قصر باب الذهب بیرون نمیرفت .

از همه مهم تر در موقعیکه کمال الدین سالهای ۳۰ و ۴۰ عمر خود را طی میکرد چنگیز خانزاده های مغولستان را مطیع ساخته و پشت دروازه های ایران رسیده بود .

کمال الدین در تمام قتل عامهای چنگیزی حیات داشته برای دفاعهای رشیدانه و مقاومت های مردانه که جلال الدین خوارزمشاه در

مقابل اردوی چنگیز مینمود قصیده ساخته است .
 کمال الدین تا دو سال بعد از مرگ چنگیز و فتح اصفهان بدست
 اکتای قآن در قید حیات بوده است چنانچه به تفصیل ذکر خواهد شد .
اوضاع مذهبی عصر کمال الدین - مذهب تشیع بعد از
 دیلمیان شروع به نکث و قنزل نموده بود و شیعیان در آن موقع با اقلیت
 محدودی بسر برده غالباً طرف حمله و قتل عام واقع میشدند اکثریت
 را در حدود عراق فرقه شافعی و حنفی دازا بودند مالکی و زیدی
 نیز در اقلیت کامل بوده و فرقه حنبلی بیشتر در شهرهای غربی ایران
 دیده میشدند .

غیر از مذاهب فوق فرقه اسمعیلیه بودند که مخصوصاً در حدود
 ری و اصفهان و همدان و جبال و تون و طبرستان و بختیاری نفوذ یافته از
 سرگرمی سلاطین و ملوک الطوایفی استفاده میکردند
 این مذاهب مختلفه غالباً با یکدیگر سرگرم زد و خورد بودند و
 با اتفاق میافتاد که در یک روز چندین هزار نفر از اهالی یک دیگر
 را باسم شافعی و حنفی یا زیدی و شیعی در یک شهر قطعه قطعه میکردند
 یا در فاصله یکی دو ساعت چندین خانواده باسم ملحد یا اسمعیلی نیست
 و نابود میشدند .

اینها نتیجه و ثمره ملوک الطوایف و ضعف سیاسی بود که روز
 بروز بر شدت خود میافزود و عاقبت غالبه چنگیز موقتاً از شدت آن کاست .
 فرقه صوفیه در آن موقع روز های خوش و تاریخی خود را طی
 میکردند تنها امنیت و آسایش در زیر خرقة های دراویش یافت میشد
 و آن فرقه نسبتاً طرف توجه و احترام بودند .

اوضاع علمی و ادبی عصر - علوم و ادبیات عهد عباسی
 تا آخر مامون باوج عظمت رسید . پس از مامون نهضت های پی در
 پی بر ضد عباسیان شروع شد سلطنت های مختلفه بنای تجزیه را گذاشته
 قدرت و تسلط بنی عباس را میان خود تقسیم کردند .

طولی نکشید که عاوم عالیه دربار بغداد شهر های بخارا -
 غزنین - نساور - ری - و اصفهان منتقل گردید .
 این نهضت با اقتدار سلجوقیان درهم شکست و حملات ترکان

نگذاشت که سیر طبیعی خویش را امتداد دهد. اولین لطمه علمی حمله غزها بود که در سلطنت سلطان سنجر بخراسان ریخته مدارس را خراب و علما را قتل عام کردند.

چنانچه انوری پس از وقوع قضیه فوق در ضمن قصیده خود (بسمرقندا گریگدیری ای باد سحر بچه نامه اهل خراسان بیر خاقان بز) اشاره بقتل عام مذکور نموده میگوید کس از این پس نکند خطبه بام غز از آنک در خراسان نه خطیب است دگر نه منبر - پس از آن روتق مدارس شکسته شد - سلاطین و امرای عصر که حافظ علم و علما بودند مشغول جنگ و دفاع گردیدند.

اغتشاشات داخلی نیز هر روز بر توسعه خود می افزود و فرصت تحصیل و تعلم را از اهالی سلب میکرد. آسایش خیال و فراغت بال و تمکن مادی برای کسی فراهم بود که شمشیر بر داشته خود را محافظت کند

چنانچه کمال الدین در این موضوع میگوید - هیچ حاصل زفضل و دانش نیست اندر این روزگار بی حاصل کلک را گو برو باب سیاه توو آنکو بفضل شد مایل دست در نیزه زن که در این دور نیست بی نیزه روتق عامل - این انحطاط ادبی چون از عوارض انحطاط سیاسی بود در همه جای ایران مساوی نبود مثلا در قلمرو اتابکان فارس و آذربایجان که اغتشاش کمتر و سلاطین محل مقتدرتر بودند ادبیات رایج تر و شعرا آسوده تر بودند و بالعکس در حدود ری و عراق و خراسان و ماوراء النهر که اغتشاشات زیادتر بود اوضاع علمی و ادبی وخیم تر و تنزل ادبیات محسوس تر بنظر می آمد.

کمال الدین در همین موضوع اشاره میکند - گر لاف آن زخم که بمن ختم شد سخن تصدیق من هر آینه دیوارو در کند دور خرابی است جهان را چه ظن بری کاکتون کسی عمارت فضل و هنر کند پروای طبع شعر محال است تا فلک هر روز عالمی را زیرو زبر کند از همین موقع یعنی اول قرن هفتم است که شعر و ادب شروع بتنزل کرده نهالی که سامانیان کاشته و غزنویان آبداده و سلجوقیان بشمر رسانیده بودند بنای خشکیدن گذاشت بالاخره بجائی

رسید که کمال الدین میگوید بهمد های گذشته امید من آن بود که شعر خوانم بر آنکه سیم بستانم بقحط سالی افتادم از هنرمندان که گر بیان کنم آنرا بشرح نتوانم اگر بیایم آنرا که شعر در یابد بدو دهم صلتی تا سخن بر او خوانم - این بود شمه از اوضاع عصر کمال الدین حال شروع کنیم به تحقیق حالات خصوصی او .

نسب و خانواده او - کمال الدین اسمعیل خلف جمال الدین عبد الرزاق ملقب بخلاق المعانی از شعرای معروف عراق و از معارف سخنوران فارسی زبان بشمار می آید .

پدر کمال الدین یعنی جمال الدین نیز از اساتید مشهور است که معاصر خوارزمشاهیان بوده و مناظرات ادبی او با خاقانی شیروانی مشهور است . جمال الدین عبد الرزاق از اواسط الناس اصفهان بوده و روزگار خود را بکسب میگذرانیده است (رجوع شود به شرح حال جمال الدین عبد الرزاق اصفهانی که سال قبل بقلم فاضل دانشمند آقای سعید نفیسی در ارمان طبع و منتشر گردید) پس از اشتهار جمال الدین عبد الرزاق در فن شاعری ایران صاعديه اصفهان به تشویق وی کوشیده او را مورد توجه و احترام قرار دادند . کمال الدین اشاره بموضوع فوق خطاب یکی از امرای وقت میگوید - نیست پوشیده که در عهد صدور ماضی رخت زی مدرسه آورد ز دکان پدرم از کرم عذر چه گوئی که در ایام تومن از میان علما رخت بیزار برم - جمال الدین را دو پسر بوده یکی معین الدین عبدالکریم و دیگری کمال الدین اسمعیل معین الدین که کوچکتر از کمال الدین بوده مردی عالم و فاضل و ظاهر اقامات علمی وی نیز بلندتر از خلاق المعانی بوده است (تذکره دولتشاه) معین الدین در جوانی مرده و اثری از او بجای نمانده است کمال الدین در مرثیه وی میگوید .

چگونه در چمن خوشدلی کنم پرواز ❀ که مرغ عیش مرا روزگار پر برید
دو شاخ هر دو ز اصلی رسیده در یکجا ❀ بتیغ قهر اجلان ز یکدیگر برید
جنو جوانی برید شاخ عمرش مرگ ❀ اگر چه رسم نبوده است شاخ تر برید
اگر چه منزل ما در سفر برابر بود ❀ ولیک آنکه جوان بود پیشتر برید